

کنترل مصرف بنزین یا اتلاف وقت؟!

دولت بار دیگر به جای آنکه ریشه‌های ناترازی بنزین را هذف بگیرد، ساده‌ترین و البته پرهزینه‌ترین راه را انتخاب کرده است؛ دستکاری در سهمیه‌ها. کاهش سهمیه بنزین با نرخ دوم و همزمان محدود کردن میزان سوختگیری با کارت جایگاه به ۱۵ لیتر، شاید روی کاغذ اقدامی برای مدیریت مصرف به‌نظر برسد، اما در عمل بیش از آنکه مصرف را کنترل کند، اعصاب مردم را هدف گرفته است.مدیریت مصرف سوخت یک ضرورت انکارناپذیر است. هیچ‌کس منکر رشد مصرف، قاچاق سوخت یا فشار بر منابع کشور نیست، اما سیاستگذاری زمانی موفق خواهد بود که ضمن دستیابی به اهداف اقتصادی، کمترین هزینه را به شهروندان تحمیل کند. تصمیم اخیر دقیقاً برعکس این منطق عمل می‌کند. کافی است راننده‌ای سهمیه کارت سوخت شخصی‌اش را به پایان رسانده باشد. اکنون با محدودیت ۱۵ لیتری کارت جایگاه، برای پر کردن یک باک ۵۰ یا ۶۰ لیتری ناچار است دست‌کم ۴ بار عملیات سوختگیری را تکرار کند؛ این یعنی اتلاف وقت، تشکیل صف، ایجاد تنش و تجربه‌ای آزاردهنده که هیچ اثر تباطی با اصلاح الگوی مصرف ندارد. نتیجه چنین تصمیمی نیز کاملاً قابل پیش‌بینی است. نخست، رانندگان برای دریافت سوخت بیشتر وارد چانه‌زنی با متصدیان جایگاه‌ها می‌شوند؛ متصدیانی که خود نقشی در این تصمیم ندارند اما ناچارند پاسخگوی نارضایتی مردم باشند. دوم، بسیاری از شهروندان مجبور خواهند شد بار دیگر به جایگاه مراجعه کنند تا باک خودرو را تکمیل کنند. سوم، در برخی موارد نیز زمینه برای دریافت مبالغ اضافی یا شکل‌گیری رفتارهای غیر رسمی فراهم می‌شود؛ وضعیتی که نه به نفع مردم است و نه به سود نظام توزیع سوخت، از سوی دیگر، این سیاست یک تناقض آشکار نیز دارد. اگر هدف کامل مصرف بنزین است، چرا باید مردم را وادار کرد چندبار به جایگاه مراجعه کنند؟ این رفت‌وآمدهای اضافی، ترافیک بیشتری ایجاد می‌کند، زمان شهروندان را هدر می‌دهد و حتی به مصرف بیشتر بنزین منجر می‌شود. بنابراین، سیاستی که با هدف صرفه‌جویی طراحی شده، خود به عاملی برای افزایش مصرف و ازدحام تبدیل می‌شود.واقعیت این است که مدیریت مصرف بنزین راهکارهای مؤثرتری دارد؛ از واقعی‌سازی تدریجی قیمت‌ها با پرداخت یارانه هذفند خود را از دست بدهد؟ دقیقاً همین‌طور است. کاهش سهم دلار یک روند تدریجی است و نباید آن را با فروپاشی جایگاه این ارز اشتباه گرفت اما همین روند تدریجی برای کشورهایی مانند ایران فرصت ایجاد می‌کند تا وابستگی خود را کاهش دهند.

۳۰۰۰

مگاوات

عظیم اعتمادی، مدیرعامل شرکت برق حرارتی با تأکید بر اینکه از مردادماه سال گذشته حدود ۳ هزار مگاوات به ظرفیت تولید برق حرارتی کشور افزوده شده است، گفت: باوجود شرایط جنگ و تحریم موفق شده‌ایم نرخ آمادگی نیروگاه‌ها را به ۹۸.۸ درصد برسانیم درحالی‌که در سنوات قبل حدود ۹۵ درصد بوده است.



عطاءالله هاشمی، عضو شورای قیمت‌گذاری و اتخاذ سیاست‌های حمایتی محصولات اساسی کشاورزی از تسویه بخشی دیگر از مطالبات گندمکاران خبر داد و گفت: کل مطالبات گندمکاران تا پایان تیر ۱۴۰۵ حدود ۳۳۰ هزار میلیارد تومان (همت) بوده که تا ۲۲ مرداد، ۱۰۰ همت از این مطالبات پرداخت می‌شود.

جهان به سمت پایان انحصار دلار

گفت‌وگو با داود منظور، رئیس سازمان برنامه و بودجه دولت سیزدهم

سینا احبدیان | روزنامه‌نگار | سلطه دلار بر نظام پولی جهان همچنان پابرجاست اما کاهش سهم این ارز در ذخایر بانک‌های مرکزی، گسترش تجارت با ارزهای محلی، افزایش خرید طلا و توسعه پول‌های دیجیتال نشانه‌هایی از شکل‌گیری نظم پولی جدید است. داود منظور، رئیس سازمان برنامه و بودجه دولت سیزدهم، معتقد است ایران باید این تحول را فرصتی برای کاهش آسیب‌پذیری در برابر تحریم‌های مالی بداند، هرچند تأکید می‌کند که دلارزدایی بدون اصلاحات داخلی راه‌حل نهایی نخواهد بود.

به پایان است؟
هنوز نمی‌توان از پایان سلطه دلار سخن گفت اما نشانه‌های روشنی از کاهش تدریجی انحصار آن دیده می‌شود. دلار همچنان مهم‌ترین ارز ذخیره جهان، ارز اصلی تجارت بین‌الملل و مبنای قیمت‌گذاری نفت و بسیاری از کالاهای اساسی است اما اقتصاد جهانی به سمت یک نظم پولی متنوع‌تر و چندقطبی حرکت می‌کند.

مهم‌ترین نشانه تضعیف دلار چیست؟
آمارهای صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد سهم دلار از ذخایر ارزی بانک‌های مرکزی جهان از بیش از ۷۰ درصد در ابتدای قرن حاضر به حدود ۵۶.۳ درصد در سال ۲۰۲۵ کاهش یافته است. البته این به‌معنای از دست رفتن جایگاه دلار نیست اما روندی است که نشان می‌دهد انحصار گذشته در حال کاهش است.

با وجود این کاهش چرا دلار همچنان ارز غالب جهان است؟
قدرت دلار فقط به اقتصاد آمریکا محدود نیست. عمق بازارهای مالی، نقدشوندگی اوراق خزانه، آزادی جابه‌جایی سرمایه، قدرت نظام بانکی و اعتماد به نهادهای آمریکایی مجموعه‌ای از مزیت‌های شبکه‌ای را برای دلار ایجاد کرده‌اند. به همین دلیل در بازار جهانی ارز، دلار همچنان در حدود ۸۹ درصد معاملات حضور دارد.

بنابراین نباید انتظار داشت دلار به سرعت جایگاه خود را از دست بدهد؟
دقیقاً همین‌طور است. کاهش سهم دلار یک روند تدریجی است و نباید آن را با فروپاشی جایگاه این ارز اشتباه گرفت اما همین روند تدریجی برای کشورهایی مانند ایران فرصت ایجاد می‌کند تا وابستگی خود را کاهش دهند.



نظام پولی جهان چگونه ارزیابی می‌کنید؟
امروز بیش از ۹۰ درصد بانک‌های مرکزی دنیا در حال مطالعه یا آزمایش پول دیجیتال هستند. ایران نیز پروژه ریال دیجیتال را آغاز کرده است. این فناوری‌ها می‌توانند هزینه و زمان پرداخت‌های بین‌المللی را کاهش دهند اما به تنهایی نمی‌توانند جایگزین یک ارز ذخیره جهانی شوند.

آیا این فناوری‌ها می‌توانند به ایران در دور زدن محدودیت‌های مالی کمک کنند؟
می‌توانند بخشی از مشکلات را کاهش دهند، به‌ویژه در شرایطی که دسترسی ایران به نظام سوئیفت محدود است اما موفقیت آنها منوط به ثبات اقتصاد داخلی و همکاری فنی با شرکای تجاری خواهد بود.

بزرگ‌ترین تهدید برای آینده دلار چیست؟
مهم‌ترین تهدید برای دلار از درون اقتصاد آمریکا ناشی می‌شود. افزایش بدهی عمومی، کسری بودجه، فشار بر استقلال فدرال رزرو و استفاده گسترده از دلار به‌عنوان ابزار تحریم می‌تواند به تدریج اعتماد جهانی به دارایی‌های آمریکایی را کاهش دهد.

این شرایط چه پیامی برای سیاستگذاران اقتصادی ایران دارد؟
ایران باید فرض را بر این بگذارد که دسترسی آسان به دلار همچنان با محدودیت همراه خواهد بود، بنابراین باید مسیرهای پرداخت، ارزهای تسویه، شرکای تجاری و ذخایر خارجی خود را متنوع کند و از پیمان‌های پولی، تجارت با ارزهای محلی، تهران و فناوری‌های نوین پرداخت بهره بگیرد.

چرا بانک‌های مرکزی جهان خرید طلا را افزایش داده‌اند؟

بانک‌های مرکزی به‌طور متوسط سالانه حدود هزار تن طلا خریداری کرده‌اند. این اقدام واکنشی به تورم، افزایش ریسک‌های ژئوپلیتیکی، تحریم‌های مالی و نگرانی درباره توقیف دارایی‌های ارزی است.

این موضوع برای ایران چه اهمیتی دارد؟
ایران تجربه توقیف بخشی از دارایی‌های ارزی خود را داشته است. به همین دلیل افزایش سهم طلا در ذخایر کشور اقدامی منطقی برای کاهش ریسک و افزایش امنیت دارایی‌های خارجی محسوب می‌شود.

استفاده از ارزهای ملی در تجارت دوجانبه تا چه اندازه می‌تواند جایگزین دلار شود؟
کشورهایی مانند چین و روسیه استفاده از یوان و روبل را گسترش داده‌اند، هند در برخی مبادلات از روپیه استفاده می‌کند و اعضای بریکس در باره سازوکارهای پرداخت مستقل گفت‌وگو می‌کنند. ایران نیز از طریق پیمان‌های پولی، تهران و استفاده از ارزهای محلی در همین مسیر حرکت کرده است اما باید میان افزایش استفاده از ارزهای ملی و ایجاد یک اثر مشترک تفاوت قائل شد.

نقش پول‌های دیجیتال بانک‌های مرکزی را در آینده

حمایت از شبکه نخیشان کشور
سعید خدایگان، قائم‌مقام بنیاد ملی نخیشان: رویکرد بنیاد در حوزه حمایت از نخیشان تغییر کرده و قرار است از حمایت‌های فردی به سمت حمایت‌های شبکه‌ای حرکت کنیم. به این معنا که ارتباط میان نخیشان و استعدادهای برتر تقویت شود و این شبکه نخیکانی در مقیاسی گسترده‌تر به نظام مسائل کشور متصل شود.



رؤیای بربادرفته

جاه‌طلبی‌های کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس برای تبدیل شدن به قطب هوش مصنوعی جهان ناپود شد



ساسان شادمان منفرد | روزنامه‌نگار |
جنگ‌های اخیر خاورمیانه را باید یکی از مهم‌ترین عوامل از بین رفتن جاه‌طلبی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج‌فارس برای تبدیل شدن به قطب هوش مصنوعی و رایانش ابری دانست. توسعه مراکز داده بیش از هر صنعت دیگری به برق پایدار، شبکه امن، زنجیره تأمین منظم و دسترسی بدون وقفه به پردازنده‌های پیشرفته نیاز دارد؛ مؤلفه‌ای که جنگ همزمان همه آنها را هدف قرار داده است. افزایش خطر حمله به نیر و گاه‌ها، خطوط انتقال و زیرساخت‌های ارتباطی، دولت‌ها را وادار کرده ظرفیت برق را پیش از پروژه‌های فناوری به مصارف امنیتی و حیاتی اختصاص دهند. اختلال در مسیرهای دریایی هم واردات سرور، ترانسفورماتور و تجهیزات سرمایشی را پرهزینه و زمان‌بر کرده است. از سوی دیگر، رقابت سیاسی و نظامی، محدودیت صادرات تراشه‌های هوش مصنوعی را تشدید کرده و سرمایه‌گذاران را محتاط‌تر ساخته است. به این ترتیب باید گفت که جنگ فقط یک حاشیه سیاسی نیست؛ عامل اصلی تبدیل رؤیای دیجیتال خلیج‌فارس به پروژهای گران‌تر، کندتر و آسیب‌پذیرتر است.

مراکز داده به هدف نظامی تبدیل شده‌اند

در ماه‌های مارس و ژوئیه ۲۰۲۶، مراکز داده وابسته به AWS (زیرساخت رایانش ابری آمازون) در امارات و بحرین در حملات پیاپی آسیب دیدند و برخی خدمات بانکی، پرداختی و آنلاین مختل شدند. این اتفاق نشان داد زیرساخت ابری ممکن است به‌دلیل کاربردهای دولتی، اطلاعاتی و نظامی، «زیرساخت دوکاربردی» تلقی شود.

زنجیره تأمین تجهیزات با ریسک بیشتری روبه‌رو شده است

ترانسفورماتور، توربین‌گازی، سامانه‌های سرمایشی، تجهیزات فشارقوی و سرورهای امدت‌آوردانی‌اند. ناامنی در تنگه هرمز، دریای سرخ و باب‌المندب باعث طولانی‌تر شدن مسیر حمل، افزایش حق بیمه و بی‌ثباتی زمان تحویل می‌شود. اختلال در مسیرهای انرژی خلیج‌فارس نیز نشان داده که این ریسک فقط نظری نیست.

هزینه بیمه و طراحی امنیتی افزایش یافته است

پس از این حملات، سرمایه‌گذاران و شرکت‌های ابری باید هزینه بیشتری برای یادفاندن، ژنراتور و سوخت پشتیبان، سایت جایگزین، مسیرهای ارتباطی متعدد و توزیع جغرافیایی داده‌ها در نظر بگیرند. این الزام‌ها پروژه را لغو نمی‌کند، اما زمان ساخت و هزینه سرمایه را بالا می‌برد.

رقابت مراکز داده با سایر مصارف برق شدیدتر شده است

در شرایط جنگی، اولویت شبکه ممکن است از پروژه‌های جدید به تأمین برق پایگاه‌ها، صنایع حساس، نمک‌زدایی، بیمارستان‌ها و زیرساخت‌های حیاتی منتقل شود. تهدید علیه شبکه‌های انرژی شرکت‌ها را وادار می‌کند برای اتصال ظرفیت‌های بسیار بزرگ محتاط‌تر عمل کنند.

زوم

کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج‌فارس در مسیر توسعه ساختارهای هوش مصنوعی و رایانش ابری خود، اکنون با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو هستند. کمبود برق، زمان طولانی اتصال به شبکه و محدودیت پردازنده‌ها مشکلات بنیادی هستند، جنگ با ایجاد خطر حمله، اختلال لجستیکی، افزایش هزینه بیمه و سیاسی‌تر کردن دسترسی به تراشه، این مشکلات را شدیدتر و تصمیم‌گیری را کندتر کرده است.

نگاه مجتبی توانگر؛ پژوهشگر اقتصادی

بازی نفتی جدید ایران چیست؟



رژیم صهیونیستی همچنان به تهدید نظامی و غیرنظامی ایران و کشتار ایرانیان ادامه می‌دهد. در مقابل اگر قرار است بازی عوض شود، با نمایش عوض نمی‌شود؛ با فشار روی رگ حیاتی عوض می‌شود. بستن تنگه هرمز مهم است، بستن باب‌المندب هم مهم است اما هیچ کدام به‌تنهایی پایان ماجرا نیست. در جنگ انرژی، کسی برنده است که فقط راه را نبندد بلکه هزینه را بالا ببرد، مسیر را گران و طرف مقابل را مجبور به عقب‌نشینی حساب‌شده کند.

۱- تنش در جنوب غرب آسیا، با تهدیدهای کلی یا بستن یک گذرگاه به‌تنهایی حل نمی‌شود. بازدارندگی وقتی معنا دارد که به نقطه حساس واقعی طرف مقابل بخورد؛ یعنی از نمایش قدرت عبور کند و به فشار واقعی بر زنجیره تأمین انرژی اسرائیل برسد. وقتی تهدات منطقه‌ای، دریایی و انرژی بارها نقض شده، پابندی یک‌طرفه فقط بازدارندگی را فرسوده می‌کند. پاسخ مؤثر باید بازی را عوض کند، نه اینکه فقط یک واکنش نمایشی و کوتاه باشد.

۲- بستن تنگه هرمز مهم است اما کافی نیست. بازار نفت فقط با «واقعیت عرضه» نمی‌خرد، با «انتظار» هم حرکت می‌کند. اگر اختلال فقط چند روز یا یکی دو هفته طول بکشد، بازار با ذخایر، مسیرهای جایگزین و مدیریت روانی، شوک را تا حدی جذب می‌کند. پس چه کنیم؟

۳- نقطه فشار اصلی جای دیگری است: خزر و قفقاز. داده‌های جدید نشان می‌دهد اسرائیل وابستگی جدی به نفت این مسیر دارد. براساس گزارش رویترز، واردات نفت اسرائیل از آذربایجان در سال ۲۰۲۵ به ۹۴ هزار بشکه در روز رسید؛ یعنی ۳۱ درصد بیش‌تر از سال قبل. همان گزارش می‌گوید نفت آذربایجان ۴۶.۴ درصد کل واردات نفت اسرائیل را تشکیل داده؛ سهمی که در این دهه نیز سابقه بوده است. به زبان ساده، تقریباً هر ۲ بشکه نفت وارداتی اسرائیل، یک بشکه از آذربایجان آمده است. این فقط یک عدد نیست، یک شудар اقتصادی است. اسرائیل برای انرژی، فقط به خلیج‌فارس متکی نیست و قفقاز جنوبی هم در معادله است. اگر این مسیر دچار اختلال شود، اثر آن مستقیم بر پالایشگاه‌ها، حمل‌ونقل، قیمت تمام‌شده و امنیت عرضه می‌شوند. در اقتصاد انرژی، حتی یک وقفه کوتاه می‌تواند هزینه بیمه، حمل، ذخیره‌سازی و ریسک را بالا ببرد و بازار را عصبی کند.

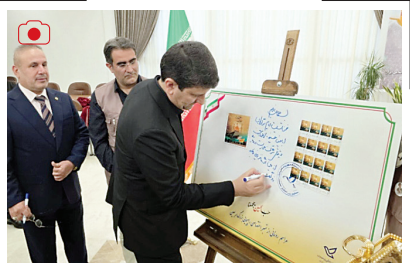
۴- مزیت خزر این است که برخلاف خلیج‌فارس، به همان اندازه زیر سایه حضور مستقیم و پر حجم آمریکا نیست. فاصله جغرافیایی، پیچیدگی عملیاتی و چندانیه بودن مسیرها باعث می‌شود یک اقدام محدود اما دقیق، اثر بازدارنده بیشتری از یک انسداد کوتاه‌مدت در هرمز داشته باشد. تجربه ارامکو و رخداد فجیره هم نشان داد که یک ضربه محدود، اگر درست طراحی شود، می‌تواند محاسبه امنیتی طرف مقابل را تغییر دهد؛ چون پیمایش این است که هیچ مسیر انرژی کاملاً امن نیست.

۵- آذربایجان در این میان نقطه کلیدی است. از یک‌سو، بارها ادعا شده که رژیم صهیونیستی از خاک و زیرساخت‌های اطلاعاتی این کشور علیه ایران استفاده کرده و از سوی دیگر، سوابقی مثل استفاده از بهباد هرمس از نخجوان برای عملیات علیه نطنز، این نگرانی را تقویت کرده که فشار از شمال‌غرب هم وجود دارد. در چنین شرایطی، ایران از نظر سیاسی و امنیتی دست خالی نیست و می‌تواند فشار متقابل را در همان جایی تعریف کند که اسرائیل حساس‌تر است: انرژی.

۶- اینجا یک نکته مهم‌تر هم هست: تنش در خزر می‌تواند برای ایران اهرم چانه‌زنی بسازد، چون رژیم حقوقی خزر هنوز کاملاً نهایی نشده و این یعنی هر جابه‌جایی امنیتی، وزن سیاسی طرف‌ها را هم جابه‌جا می‌کند. وقتی ایران نشان بدهد که ثبات این پهنه بدون در نظر گرفتن منافع تهران ممکن نیست، می‌تواند در مذاکرات مربوط به سهم، عبور، امنیت، کشتیرانی و بهره‌برداری، دست بالاتری پیدا کند. به عبارت ساده، هر قدر خزر از حالت «آب آرام و قطعی‌شده» خارج شود، ایران می‌تواند بگوید اگر می‌خواهید اینجا آرام بماند، باید امتیاز بدهید.

۷- ترکیه را هم باید دقیق و حساب‌شده دید. نفت آذربایجان از خزر با خط لوله باکو-تفلیس-جیحان به جیحان می‌رسد، از آنجا با نفکتش وارد مدیترانه می‌شود و بعد به سمت بندرهای رژیم صهیونیستی می‌رود؛ یعنی زنجیره تأمین انرژی اسرائیل فقط به خلیج‌فارس وابسته نیست بلکه به قفقاز و گلوگاه ترکیه هم گره خورده است. از این زاویه، اگر تنش در خزر محدود و کنترل‌شده باشد، ترکیه احتمالاً به اعتراض سیاسی بسنده می‌کند، چون مداخله عملی برایش هزینه دارد و منافعی را به خطر نمی‌اندازد. به همین دلیل، بازدارندگی مؤثر فقط ضربه‌زدن به طرف اصلی نیست؛ باید کاری کرد که ائتلاف‌های پشتیبان هم از ورود به میدان بترسند.

عکس نوشت



تمیز اختصاصی پیاده‌روی اربعین ۱۴۰۵

در آستانه اربعین حسینی، تمیز اختصاصی پیاده‌روی اربعین باحضور سیدستار هاشمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات و جمعی از مقامات ایرانی و عراقی در کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در کربلا رونمایی شد. در طراحی این تمیز، پیاده‌روی میبشون ژنرالان حضرت اباعبدالله الحسین(ع) (به تصویر کشیده شده و عبارت «حب‌الحسین یجمعا» بمعنای نماز وحدت، همدلی و همبستگی مسلمانان نقش بسته است. این تمیز با هدف پاسداشت بزرگ‌ترین اجتماع ایمانی جهان و تجلیل از فرهنگ عاشوراوی طراحی و منتشر شده است.